

در ژانویه ۲۰۰۵ دُن کیشوت ۲۰۰ ساله شد. اسپانیا به این مناسبت تدارک جشنهای گرامیداشت بی شماری به افتخار سروانتس ترتیب داده است. او بی شک مهمترین نویسنده کشورش است. اما بخوانید آنچه آنتونیو مولینا، مدیر انستیتیوی سروانتس در نیویورک، درباره اش می گوید: «در این که سروانتس با اهمیت ترین نویسنده اسپانیاست جای تردید نیست. اما او نماد یک اسپانیولی نیست و مشخصه های او را ندارد. سبک سروانتس، با طنز و کنایه اش، با باریک بینی و زیرکی اش، ظریف تر از آن است که خاص اسپانیا باشد.»

در واقع با اینکه سروانتس در مادرید زیست، بیشتر آثارش را در این شهر نوشت، رمان دُن کیشوت را هم در آنجا منتشر کرد و نیز در مادرید بود که درگذشت و به خاک سپرده شد، اما آرامگاه او به روی مردم بسته است، خانه اش دیگر بر جا نیست و کارگاهی که رمان دُن کیشوت برای اول بار در آنجا به چاپ رسید فقط با یک پلاک ساده روی دیوار معرفی و مشخص شده است.

سروانتس همواره در کشورش چون بیگانه ای زندگی کرد و شکاف میان او و هموطنانش هنوز هم در خیابانهای مادرید قابل احساس است. در شلوغی و آشفتگی مرکز تاریخی شهر مادرید، مقابل یک پیترافروشی و جنب یک کفاشی، نوشته ای بر روی ساختمانی این اطلاع رسانی را می نماید: «میگل دو سروانتس در این محل زیست و زندگی را بدرود گفت. تبوغ



او مایهٔ تحسین جهان است.» اما هیچ چیزی برای دیدن در آن مکان نیست، نه موزه‌ای، نه خانه بازسازی شده‌ای و نه هیچ چیز دیگر.

در عوض، قدری پائین‌تر در همان خیابان، در تضادی چشمگیر، خانهٔ احیاء شدهٔ لوپه دو وگا (Lope de Vega)، نمایش‌نویسی که رقیب سروانتس بود، با عشق و احترامی عمیق نگهداری می‌شود. در حالیکه سروانتس هرگز در مادرید مقبولیت پیدا نکرد، لوپه دو وگا مرکز زندگی هنری شهروندان مادرید بود.

مولینا می‌نویسد: «او شخصیتی کاملاً متفاوت از سروانتس بود. لوپه دو وگا نویسنده‌ای موفق بود. سروانتس نبود. لوپه دو وگا مشهور و متمول بود. سروانتس تنگدست بود.»

آوازهٔ این دو تن در طول زمان عمیقاً دگرگون شده است اما خیابانهای مادرید گویی طبق دآوری تثبیت شدهٔ آن زمان همچنان باقی مانده‌اند و سروانتس را به نسبت لوپه دو وگا در مقامی دون پایه به حافظه سپرده‌اند، چنانچه برای تاکید بر این نکته خیابانی که سروانتس در آن به خاک سپرده شده است به نام لوپه دو وگا نامگذاری شده است تا حتی در مرگ نیز سروانتس در سایهٔ نام رقیب خود باقی بماند.

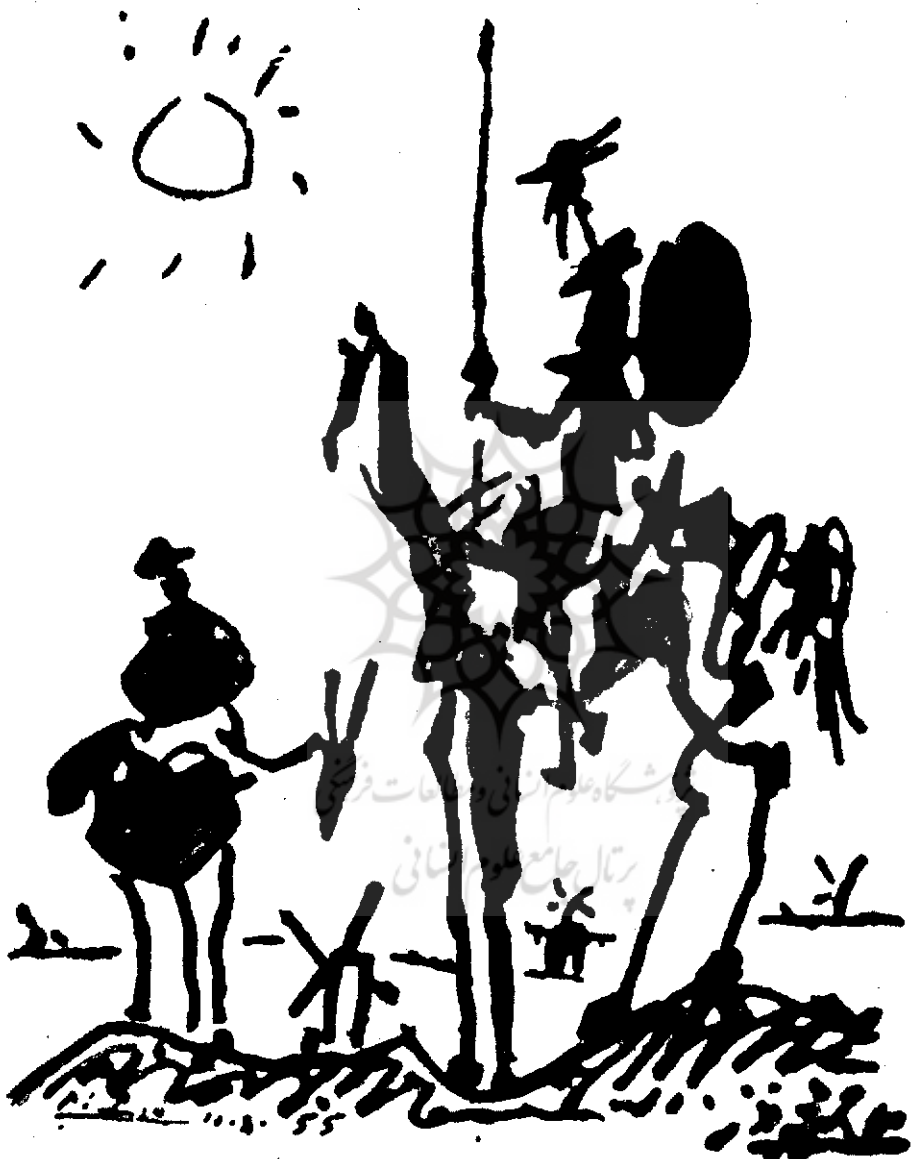
در حال حاضر البته سروانتس مقام یک بُت را پیدا کرده است. در قلب مادرید، در «میدان اسپانیا»، مجسمه‌ای از او همراه با دو شخصیت جاودانه‌اش یعنی دُن کیشوت و سانچا پانزا دیده می‌شود. سالروز تولدش در ۱۵۴۷ همه ساله در زادبومش Alcala de Henare جشن گرفته می‌شود.

سروانتس‌شناسان اما تاسف می‌خورند که سروانتس بیشتر مایهٔ افتخار اسپانیولی‌هاست ولی به اندازهٔ کافی درباره‌اش پژوهش انجام نمی‌گیرد؛ و برایش کف می‌زنند اما مقام رفیعی به او ارزانی نمی‌دارند.

یک نویسندهٔ معاصر اهل مادرید می‌نویسد: «اسپانیولی‌ها خیلی کم آثار سروانتس را مطالعه می‌کنند و اسپانیا از قسمت مهمی از آثارش بی‌اطلاع است.»

پژوهشگران ادبی از کم‌رنگ شدن حضور نویسندگان برجستهٔ کلاسیک در زندگی مدرن گلایه دارند و یکی از آنها می‌گوید: «حتی نویسندگان معاصر اسپانیا در مورد ارزیابی سروانتس سر در گم باقی مانده‌اند.»

بهمین دلیل شاید موجب تعجب نباید باشد که بهترین بیوگرافی سروانتس تا به امروز توسط یک اسپانیولی نوشته نشده است، بلکه به قلم یک فرانسوی به نام ژان کاناواگیو نوشته شده است. در واقع محققان ادبی بر این باورند که شهرت و آوازهٔ بلند سروانتس در حال حاضر مدیون منتقدان خارجی است و نه منتقدان اسپانیولی که به نظر می‌آید در طول قرن‌ها کوشیده‌اند او را در



دن کیشوت و سانکویانزا، اثر پابلو پیکاسو

تاریکی مدفون نگهدارند.

حقیقت اینست که سروانتس در طول عمرش نویسنده‌ای درک نشده و نامحسوب باقی ماند که همواره تلاش می‌کرد تا به رسمیت شناخته شود. به استثنای رمان *دُن کیشوت* که بلافاصله پس از انتشار با موفقیت عظیمی روبرو شد، سایر آثارش قابل اعتناء دانسته نشد. سروانتس در سال ۱۶۱۶ در تنگدستی فوت شد و به سرعت فراموش.

شاید اگر به عهده اسپانیولی‌ها بود از او با نامی حقیر در تاریخ ادبیات یاد می‌شد. محققان آثارش حیات تازه و رونق و رواج نوشتارهایش را تا حد زیادی به انگلیسی‌ها ارتباط می‌دهند که در اوایل قرن هجدهم از آثار او متأثر گشتند و الهام گرفتند.

اما در همان زمانیکه نفوذ سروانتس گسترش می‌یافت و نویسندگانی چون گوته، داستایوفسکی، دیکنز و مارک تواین را تحت تاثیر قرار می‌داد، اسپانیولی‌ها همچنان او را نادیده می‌گرفتند و به تحسین منتقدان خارجی‌اش توجهی نداشتند.

در قرن بیستم بود که سرانجام سروانتس در اسپانیا منزلت گول ادبی‌ای را که کشورهای دیگر به او می‌دادند، پیدا کرد. اکنون تاثیر او بر ادبیات غالباً با تاثیر ادبی هم عصرش شکسپیر قیاس می‌شود. اما مولینا یک تفاوت فاحش میان این دو تن قائل است: «شکسپیر حضوری دایم در ادبیات انگلیسی دارد. سروانتس اما اسپانیولی نیست.» شاید بتوان گفت که میراث ادبی سروانتس هنوز هم بیشتر برون از مرزهای اسپانیا یافت می‌شود تا در زادبومش.

منبع: هرالد تریبیون بین‌الملل

دسامبر ۲۰۰۴

زندگی و زمانه‌ی مایکل ک

جی. ام. کوتسیا

ترجمه مینو مشیری

برنده جایزه نوبل ۲۰۰۳ / برنده جایزه بوکر / برنده جایزه فمینا

انتشارات فرهنگ نشر نو - خیابان ۱۲ فروردین - نبش چهارراه نظری - پلاک ۳۳

تلفن ۶۴۹۱۵۸۰